

تأملی و تفکری بر

رشد

شماره ۱۵، فوریه ۲۰۰۷

برنامه‌های فشرده رشد - به سوی تداوم‌پذیری

تا پایان نقشه پنج‌ساله، اجرای برنامه‌های فشرده رشد در تقریباً ۳۰۰ محدوده جغرافیایی در کلیه قارات حومه عالم شروع شده بود. چرخه‌های فعالیتی که احباء اجرا کردند از الگوی واحدی تبعیت می‌کرد، اما نتایج منطبق با نوع محدوده جغرافیایی، ماهیت برنامه‌ریزی، سطح مشارکت یاران، کارایی امر تبلیغ، و فشرده‌گی همکاری بین تشکیلات در محدوده، متفاوت بود. کلیه این متغیرها بر توانایی بالقوه چنین برنامه‌ای جهت رساندن تعداد مسجّلین به سطحی چشمگیر اثر می‌گذارد. غیر از این، معضل موجود فقط عبارت از جذب مؤمنین جدید نیست، بلکه رسیدن به سرعت رشدی است که تدریجاً شتاب می‌گیرد و فرایندی سیستماتیک را به مرحله اجرا در می‌آورد که تحکیم احبّای جدید از طریق آن پیوسته و بلاوقفه صورت می‌گیرد. این پویایی زیربنای دوام‌پذیری را، که هدف برنامه فشرده رشد است، تشکیل می‌دهد.

نگاهی به برنامه‌های فشرده رشد در دست اجرا الگوهای پیشرفتی را که متضمّن تقدّم و پیشرفت، موانع بازدارنده، نقاط قوّت و ضعف نسبی، و میزان و سرعت نابرابر توسعه است مکشوف می‌سازد. در فرایندی طبیعی که مبتنی بر یادگیری است چگونه ممکن است جز این باشد؟ احباء به طرف مختلف از عهده حلّ معضلات تلاش برای دوام‌پذیری بر آمده‌اند. مثل همیشه، تجربه حاصله در اکثر محدوده‌های پیشرفته، بالاخص برنامه‌های رشدشان، چندین چرخه فعالیت را به پایان رسانده، ارزشمندترین موارد یادگیری را در خصوص نحوه غلبه بر موانع، زمان تعدیل رویکردها، و تعیین عناصری که باید تقویت گردند، فراهم می‌آورد.

این شماره خبرنامه اولین مورد از زنجیره نشر خواهد بود که به مرور زمان بعضی از بینش‌های حاصله در تعدادی از محدوده‌ها در مورد عوامل دخیل در دوام‌پذیری برنامه‌های فشرده رشد را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این خبرنامه چهار موضوع مهمّ و حیاتی مدّ نظر قرار خواهد گرفت: (۱) مشکلات و مزایای تمرکززدایی؛ (۲) نیاز به گروه‌های تبلیغی کارآمدتر؛ (۳) اهمیت فرایند قوی و مستمرّ مؤسسه؛ و (۴) لزوم مشارکت دادن جوانان.

تمرکززدایی: تمرکز بر محله‌ها. اداره فعالیت‌هایی که شامل نفر صدها نفر نفوس پراکنده در منطقه بزرگ جغرافیایی می‌شود مستلزم سازماندهی و نظارت دقیق است. احباء مشغول آزمایش و تجربه رویکردهایی هستند که متضمّن تمرکززدایی کار و توزیع مسئولیت‌ها در سطحی وسیع‌تر است. ثابت شده که محله عرصه طبیعی فعالیت در محدوده است.

ایالات متّحده

در محدوده جغرافیایی نیویورک سیٹی، در دو چرخه گذشته برنامه فشرده رشد برای ترویج تمرکززدایی فعالیت‌های اساسی و تشویق جامعه به تمرکز بر تبلیغ از ضیافت‌های نوزده روزه محله استفاده شده است. محفل روحانی محلی و لجنة تبلیغ منطقه‌ای همکاری کرده‌اند تا اطمینان حاصل شود که بخشی از قسمت مشورت ضیافت به بحث در خصوص رشد اختصاص می‌یابد و گاهی اوقات از زمینه‌ای معین برخوردار می‌گردد. لجنة منطقه‌ای تبلیغ در هر محله افرادی را تعیین کرده که در ضیافت‌های مربوط به خود بحث را تسهیل می‌نمایند و جریان می‌دهند. احبّاء تشویق می‌شوند که در مورد اهمیت مرحله فعلی چرخه جاری برنامه فشرده رشدشان صحبت کنند، و آنها در مورد آمار محله و کل شهر که از ضیافت قبل تا کنون جمع‌آوری شده به بررسی و تأمل می‌پردازند. افراد همچنین تشویق می‌شوند که داستان‌ها و گزارش‌هایی از فعالیت‌های گروه تبلیغی‌شان بیان کنند. فعالیت‌های اساسی که در شرف آغاز شدن است اعلام می‌گردد تا دیگران بتوانند این اطلاعات را با مبتدیان موجود در محله در میان بگذارند. اگرچه این استفاده از ضیافت‌های تمرکززدایی شده برای ترویج تمرکز بیشتر بر رشد در محله‌ها امری جدید و تازه است، اما نتایج حاصله از لحاظ ایجاد آگاهی بیشتر نسبت به پیشرفت برنامه فشرده رشد و افزایش فعالیت‌های اساسی و تبلیغ مثبت بوده است.

هندوستان

در محدوده بهار شریف هماهنگ‌کننده‌های تمام وقت مؤسسه و منشی لجنة منطقه‌ای تبلیغ (موسوم به تسهیل‌کننده منطقه) همکاری نزدیکی با هم دارند و مستمراً در سراسر محدوده دست به سفر زده با احبّاء ملاقات می‌کنند. جاده‌ها ناهموارند و آنها باید - غالباً روزی ۲۰ کیلومتر - پیاده یا با دوچرخه طی طریق نمایند. با کلیه جوامع در محدوده حداقل هفته‌ای یک مرتبه ملاقات می‌شود. هماهنگ‌کننده‌ها و تسهیل‌کننده به طور هفتگی اطلاعات خود را مبادله می‌کنند و هیچ خطّ پررنگی بین وظایف محوله خود رسم نمی‌کنند. بنابراین، فی‌المثل، تسهیل‌کننده منطقه ممکن است با حلقه‌های مطالعه کتاب اول مؤسسه روحی ملاقات کند تا شرکت‌کنندگان را به شروع جلسات مرتب دعا تشویق کند، و هماهنگ‌کننده‌ها ممکن است با گروه‌های تبلیغی تماس برقرار کنند تا مطمئن شوند احبّای جدید و متحرّیان تازه به فرایند مؤسسه معرفی شده‌اند. این معاضدت و رسیدگی مستمر به نیازهای محدوده جغرافیایی به افزایش مداوم تعداد احبّایی که سلسله دروس را به اتمام رسانده‌اند و نیز صدها مؤمن جدید منجر شده است.

نمادهای بهار شریف روشی سیستماتیک نیز برای تمرکززدایی و ترویج فرایند رشد در محدوده تدوین کرده‌اند. وقتی منطقه‌ای دارای دو یا سه بهائی مقیم باشد، نمادهای محدوده به احبّاء کمک می‌کنند به برنامه‌ریزی جلسه‌ای بپردازند که بتوانند دوستان، همسایگان، منسویین و سایر آشنایان علاقمند را به آن دعوت کنند. احبّای سایر مناطق محدوده به احبّای مقیم در اجرای فعالیت کمک می‌کنند. این جلسه به عنوان بیت تبلیغی مقدّماتی عمل می‌کند و معمولاً به تأسیس کلاس‌های جدید اطفال و احتمالاً سایر فعالیت‌های اساسی منتج می‌شود. فرایند با این رویکرد ساده و برنامه‌ریزی شده شروع می‌شود و با گذشت زمان و حمایت محبت‌آمیز نمادهای محدوده، متحرّیان اقبال می‌کنند و منطقه تکامل یافته به صورت بخشی قوی و فعال از محدوده در می‌آید. تا کنون این جریان در چندین منطقه تجربه شده و در چهار مورد گروه‌های فعال بهائی به وجود آمده‌اند.

مغولستان

محدوده جغرافیایی مورون (خوفسگول) منطقه روستایی وسیعی با تعداد کثیری از احبّاء را تحت پوشش دارد و از سه هماهنگ‌کننده تمام وقت مؤسسه بهره‌مند است. معلوم شد که فواصل داخل محدوده و فقدان سیستم ارتباطی مطلوب، نظارت بر فعالیت خاصّ اساسی در سراسر کلّ محدوده را برای یک هماهنگ‌کننده دشوار می‌ساخت. بنابراین، احبّاء رویکرد متفاوتی را برای سازماندهی کار هماهنگ‌کننده‌ها در پیش گرفتند. به جای آن که هر یک از هماهنگ‌کننده‌ها به یک فعالیت واحد اساسی توجّه داشته باشد، وظائف به صورت جغرافیایی بین آنها تقسیم شد. محدوده اینک به نه جامعه تقسیم شده و هر هماهنگ‌کننده بر کلیه فعالیت‌های اساسی در سه جامعه نظارت دارد. بعلاوه، محدوده دارای منشی تمام‌وقت لجنه رشد محدوده و یک مساعد است.

کِنیا

نمونه‌ای از محدوده جغرافیایی که به نحو مطلوب اداره می‌شود، تیریکِ غربی در منطقه روستایی کِنیا است. از آنجا که ۹۲ کیلومتر مربع تحت پوشش آن قرار دارد و دارای ۴۲ محفل روحانی فعال است، نظارت بر فعالیت بیش از ۲۵۰۰ تن از احبّای محدوده کاری دشوار و طاقت‌فرسا است. هماهنگ‌کننده مؤسسه محدوده برای رسیدگی به حلقه‌های مطالعه، حمایت از راهنمایان (تیوترها)، و راهنمایی و تشویق سایر احبّای کلیدی، با دو چرخه از روستایی به روستای دیگر سفر می‌کند. این نظارت و مساعدت مستمر عامل مهمّی در موفقیت محدوده است. این بخشی از رویکرد سیستماتیک و تمرکززدایی شده برای نظارت بر فرایند مؤسسه است که کلیه سطوح مؤسسه را در بر می‌گیرد.

فرایند با تعامل نزدیک بین هماهنگ‌کننده مؤسسه و راهنمایان حلقه‌های مطالعه شروع می‌شود. وقتی راهنما (تیوتر) شروع به هدایت حلقه مطالعه جدید می‌کند، از او خواسته می‌شود تاریخ شروع درس و تاریخی که برای اتمام آن در نظر گرفته شده به اطلاع هماهنگ‌کننده مؤسسه رسانده شود تا از مشکل طولانی شدن بیش از حدّ حلقه‌های مطالعه برای مطالعه یک کتاب و سلب علاقه از شرکت‌کنندگان جلوگیری شود. هماهنگ‌کننده مؤسسه با یکی از جلسات حلقه مطالعه جدید دیدار می‌کند تا اطمینان حاصل کند که تمام مطالب و موادّی را که لازم دارد در اختیار داشته باشد. چنین دیدارهایی به هماهنگ‌کننده مؤسسه این امکان را می‌دهد که برای کمک به راهنمایان جهت ارتقاء سطح کیفی با آنها کار کند. جلسات سه ماهه بررسی و تأمل راهنمایان در سطح محدوده تشکیل می‌شود و سبب تقویت مهارت‌های آنها می‌گردد. در سطح بعدی، هماهنگ‌کننده‌های محدوده هر سه ماه یک بار با هماهنگ‌کننده مؤسسه ملی تشکیل جلسه می‌دهند تا رشد و تکامل مستمر در درک فرایند مؤسسه و توسعه بلاوقفه قابلیت‌های آنها تضمین گردد.

این اقدام مؤثر و سیستماتیک به نتایج ارزنده بسیاری در تیریکِ غربی منجر شده است. در اکتبر ۲۰۰۶ این محدوده دارای ۱۱۶ کلاس اطفال با ۶۹۶ کودک که در آنها شرکت می‌کنند، ۳۰ گروه نوجوانان جمعاً با ۳۶۲ شرکت‌کننده و ۲۱۵ جلسه مرتّب دعا با حضور ۱۳۱۰ نفر بود. تعداد نفوسی که به طور جدّی و فعال در فعالیت‌های تبلیغی مشارکت دارند ۲۱۰ نفر است که تقریباً دو برابر تعداد کسانی است که کتاب هفتم را به پایان رسانده‌اند. امر

تبلیغ نیز تمرکززدایی شده و رهبران گروه‌ها در محله‌هایی که گروهشان در آن فعالیت دارد سکونت دارند. بیش از ۴۰۰ ملاقات خانگی در طی چرخه ششم تیریک غربی صورت گرفته و بین رضوان ۲۰۰۵ تا رضوان ۲۰۰۶ تعداد ۱۶۴ نفر اقبال نموده‌اند که ۸۹ نفر از آنها به سرعت جذب فعالیت‌های اساسی شده‌اند.

ارتقاء سطح کارایی گروه‌های تبلیغی. احباء در تعدادی از محدوده‌های شهری دریافته‌اند که کارآمدترین گروه‌های تبلیغی گروه‌هایی هستند که به سراغ محله‌هایی با نفوس مستعد و پذیرا رفته‌اند. درس‌های دیگری نیز در مورد گروه‌های تبلیغی فراگرفته شده است. عموماً به تجربه معلوم شده که گروه‌هایی که بیش از اندازه بزرگند از کارایی لازم برخوردار نیستند. گروه‌های کوچکتر بیشتر احتمال دارد تشکیل جلسه داده کار تبلیغ را به مرحله اجرا در آورند.

آذربایجان

احباء در محدوده باکو که از امتیاز تأسیس اولین برنامه فشرده رشد در طی نقشه پنج‌ساله برخوردار بودند، اخیراً هشتمین چرخه را به انتهای رساندند. نتایج حاصله نشان دهنده افزایش بارز در قوه تحرک نسبت به چند چرخه پیشین است که سطح مشارکت در تبلیغ به حد فقط چند گروه فعال تحلیل یافته بود. عامل عمده شتاب دهنده برای این تغییر تلاشی آگاهانه برای تمرکز زدایی تشکیل گروه‌های تبلیغی، نه در سطح محدوده بلکه در سطح محله بود. نهادهای محدوده متوجه شدند که وقتی گروه‌های تبلیغی در میان احباء از سراسر محدوده تشکیل می‌شود، گردهمایی و همکاری مؤثر آنها دشوار است. اقدام به سازماندهی گروه‌ها منطبق با محله‌ها موجد شور و اشتیاق شد و به تشکیل ۱۵ گروه تبلیغی منجر گردید که ۱۲ گروه فعال باقی ماندند. اینها عمده از خانواده‌های جوان تشکیل شدند.

یک نمونه مربوط به گروهی تبلیغی بود که از مادر و دو دختر جوانش تشکیل شد. مساعی گروه با دیداری از زمین بازی محلی، که خانواده در آنجا شناخته شده هستند، و تشکیل گروه نوجوانان آغاز شد. این اقدام به تشکیل حلقه مطالعه‌ای منتج شد که عمده توسط دختران مزبور همراه با خواهر و برادرهای بزرگتر کسانی که در گروه نوجوانان بودند اداره می‌شد که به نوبه خود فرصتی طبیعی برای مادر فراهم آورد تا حلقه مطالعه‌ای را با والدین نوجوانان و خواهر و برادرهای بزرگتر تشکیل دهد. در این مورد، گروه‌های تبلیغی مجهودات خود را به مرحله تحکیم سه‌ماهه گسترش دادند. تحوّل جامعه نیز با ضیافات نوزده روزه و جلسات دعا، که جایگزین بسیاری از فعالیت‌های کلّ جامعه در این منطقه بزرگ آبرشهری شده، تقویت گردید. ماحصل کار عبارت از افزایش کلّ حاضرین بوده است. با آن که دو چرخه پیشین جمعاً به چهار مسجّل و ۷۵ متحرّی شرکت کننده در فعالیت‌های اساسی منجر شده بود، نتایج هشتمین چرخه شامل ۱۹ اقبال و ۱۱۳ متحرّی فعال گردید.

مالاوی

هر یک از گروه‌های تبلیغی در مولانجی شامل اعضایی که کتاب دوم را به انتهای رسانده و نفوسی است که کتاب ششم را کاملاً خوانده‌اند. در صورت امکان آنها سعی می‌کنند اطمینان حاصل کنند که یک راهنما (تیوتر) -

کسی که سلسله دروس را به طور کامل به انتهای رسانده - عضو گروه و به عنوان راهنما آماده خدمت باشد. گروه‌ها تا چرخه هفتم که در سپتامبر ۲۰۰۶ شروع شد، بین ۱۲ تا ۲۰ عضو داشتند، اما معلوم شد که بسیاری از این احباء به طور جدی و فعال مشارکت ندارند. سپس گروه‌ها کوچکتر شدند و به سه تا چهار عضو رسیدند. اکثر اعضای گروه جوان هستند. آنچه که در چرخه هفتم تأثیر و کارایی‌اش به اثبات رسید این بود که نیمی از گروه‌ها به تبلیغ خانواده‌ها به سبک خانه به خانه در مناطق جدید پرداختند، در حالی که سایر گروه‌ها در مناطقی به ملاقات‌های خانگی مبادرت کردند که در چرخه‌های پیشین فعالیت تبلیغی در آنجا صورت گرفته بود. گروه‌های دوم توانستند پیگیر کسانی شوند که قبلاً ابراز علاقه کرده اما هنوز اعلام ایمان ننموده یا به فعالیت‌های اساسی مبادرت نکرده بودند.

جمهوری دموکراتیک کنگو

لومومباشی یک محدوده شهری با ۱۱ محفل روحانی محلی و در بخش جنوبی کشور واقع است. برنامه فشرده رشد این محدوده فعلاً در چرخه هشتم است. در چرخه‌های قبلی گروه‌ها از بهائیان همان محفل روحانی محلی تشکیل می‌شد که سپس در منطقه تحت اشراف محفل به تبلیغ می‌پرداختند. جریان اطلاعات بسیار ضعیف بود و لجنه رشد محدوده در پیگیری رویدادها مشکل داشت. در تلاشی برای بهبود سرعت رشد، لجنه در چرخه ششم تغییرات متعددی در رابطه با گروه‌ها ایجاد کرد: از آن پس گروه‌ها از احبای چندین منطقه محفل محلی تشکیل می‌شدند؛ تبلیغ بر محله‌های مستعد و پذیرا که لجنه به عنوان هدف انتخاب می‌کرد متمرکز گردید نه آن که در کل منطقه محفل محلی اجرا گردد؛ تعداد افراد هر گروه از دو به سه شرکت‌کننده افزایش یافت، یعنی همانطور که قبلاً بود؛ و لجنه محدوده جغرافیایی شروع به سازماندهی جلسات مشاوره با کلیه مبلغین نمود که قبل از عزیمت در مرحله توسعه در آن حضور یابند. کلیه این اقدامات بر افزایش کارایی گروه‌ها تأثیر مثبت داشت.

هندوستان

ثابت شده در هندوستان کلاس‌های اطفال و گروه‌های نوجوانان دروازه‌هایی فوق‌العاده عالی برای جذب شرکت‌کنندگان جدید به حلقه‌های مطالعه است زیرا فرصتی برای تماس با خانواده‌های جدید فراهم می‌آورند. مرحله اخیر توسعه در برنامه فشرده رشد در پایتخت، دهلی نو، این تجربه را به بهترین وجه به تصویر می‌کشد. در ماه مه ۲۰۰۶، بعد از چندین چرخه با نتایج نسبی، جامعه تصمیم گرفت دست به تلاشی مستمر و فشرده برای تأسیس کلاس‌های اطفال، کلاس‌های نوجوانان و حلقه‌های مطالعه بزند. شش محله شناسایی و تعیین گردید و بعد تأسیس کلاس‌ها اطفال و نوجوانان، مرجحاً با اطفال خانواده‌های غیربهائی، شروع شد. بهائیان سخت کار می‌کردند تا کلاس‌ها به طور مرتب تشکیل شود و برنامه آموزشی توصیه شده را پی بگیرند. این اقدام دقیق موجب پیوندی قوی در میان معلمین کلاس‌های اطفال، مشوقین نوجوانان، و راهنمایان (تیوترها) در هر یک از شش محله گردید. البته، جزء ضروری کلاسها عبارت از خدمت بود. موقعی که والدین متوجه تحول در فرزندانشان می‌شدند و تحت تأثیر اقدامات خدمتی آنها قرار می‌گرفتند، با آغوش بازتر از امر مبارک استقبال می‌کردند. در طی مرحله توسعه در چرخه هفتم (ژانویه ۲۰۰۷)، جلسات بزرگ

دعا در هر یک از شش محله تشکیل شد. کودکان و نوجوانان به تلاوت مناجات، اجرای قطعات طرّآمیز و ایراد سخنرانی درباره آنچه که یاد گرفته بودند پرداختند. سخنرانی‌های نوجوانان به طور اخصّ قلوب والدین و سایر حاضرین را تحت تأثیر قرار داد. بعد از آن که اطفال پذیرایی و مرخص شدند، بزرگسالان در هر جمع به گروه‌های کوچک پنج یا شش نفره تقسیم شدند و در هر یک از آنها مبلغین در مقام خود قرار گرفتند. مبلغین شروع به ابلاغ مستقیم امر مبارک به اعضاء گروه کوچک خود نمودند. یکی از شرکت‌کنندگان رویداد مزبور را اینگونه تعریف می‌کند:

این کار برای جامعه دهلی بی‌سابقه بود. ابدأ تجربه‌ای در انجام دادن این کار نداشتیم. اما، تصمیم خود را گرفته بودیم و بعد از تلاوت دعا و مناجات بسیار، هر چه شهامت و شجاعت داشتیم به کار گرفتیم. بزرگسالان به گروه‌های کوچک تقسیم شدند و هر گروه دارای یک فرد بهائی بود که مستقیماً با استفاده از "البوم تبلیغی" امر مبارک را ابلاغ می‌کرد. البوم ابزار بسیار مؤثر و مطلوبی بود. تمرکز ما را حفظ می‌کرد و نمی‌گذاشت ادبی انحرافی در تمرکز حواس حاصل شود و ما را قادر ساخت امر مبارک را به ترتیبی منطقی عرضه کنیم و از آثار حضرت بماءالله نقل نماییم.

در چرخه‌های پیشین فعالیت، جلسات دعا در ابعاد وسیع داشتیم؛ اما، در پی جلسات دعا، تبلیغ مستقیم در جلسات کوچک انجام نمی‌شد. سخنرانی صورت می‌گرفت و اقدام نسبتاً "غیر شخصی" بود لذا این جلسات فقط به افزایش تعداد محبین منجر می‌گردید. در این مرحله توسعه، تبلیغ مستقیم در گروه‌های کوچک جوئی صمیمانه‌تر و شخصی‌تر به وجود آورد. مبلغ با پنج یا شش نفر می‌نشست و تماس چشمی مستمر با آنها داشت. این متحرّیان در گروه‌های کوچک با آسودگی بیشتر سؤال می‌کردند و وقتی از آنها سؤال می‌شد آیا مایلند به عنوان بهائی کارت تسجیلی را امضاء کنند، ابدأ احساس ناراحتی نمی‌کردند.

در نتیجه این تبلیغ مستقیم در محله‌ها، در طی مرحله توسعه فشرده دو هفته‌ای چرخه هفتم، ۲۰۶ نفر در دهلی تسجیل شدند. در طی چهار چرخه سال قبل، این محدوده جغرافیایی جمعاً دارای صد مسجّل بود. اکثر مؤمنین جدید والدین کودکان و نوجوانانی هستند که در کلاس‌های بهائی حضور می‌یابند، و اکنون تعداد کسانی که وارد کلاس کتاب اول می‌شوند افزایش یافته است. چون قبلاً روابط کاری نزدیکی بین معلّمین کلاس‌های اطفال، مشوقین نوجوانان، و تیوتورها ایجاد شده بود، تأسیس حلقه‌های مطالعه با حضور مؤمنین جدید در شش محله‌ای که به عنوان هدف برگزیده شده بود، اکنون با سهولت نسبی تحقّق می‌یابد.

بنای هرم دائم‌التوسعه منابع انسانی. جوامع در حین تلاش برای توسعه مستمرّ فرایند مؤسسه، که عنصری ضروری برای رشد پایدار و مداوم است، با معضلاتی مواجه می‌شوند. معضلات گوناگون باید مورد بررسی واقع شود. فی‌المثل، بعضی جوامع از ذخیره مؤمنین خود استفاده کرده‌اند و باید بیش از پیش به جذب جامعه غیربهائی روی بیاورند، اما نمی‌دانند

چگونه این کار را انجام دهند. سایرین در برانگیختن شرکت کنندگان به ارتقاء از درسی به درس دیگر مشکل دارند. بالاخره، جوامع متعددی متوجه می‌شوند که تعداد چشمگیری از کسانی که سلسله کامل دروس را به اتمام می‌رسانند، در به عهده گرفتن راهنمایی (تیوتری) حلقه مطالعه مرددند.

زلاند نو (نیوزیلند)

اولین معضل عبارت از یافتن افراد جدید برای گذراندن سلسله دروس است. در محدوده جغرافیایی اوکلند کاشف به عمل آمد که وقتی فعالیت‌های اساسی بیشتر حول محور محله‌ها طائف است، یافتن شرکت کنندگان اضافی برای فرایند مؤسسه آسان‌تر است و سطح شرکت افزایش می‌یابد. به طور اخص، تمرکز بر محله درگیر کردن احبای فاقد فعالیت کامل را آسانتر می‌سازد.

کلمبیا

معضل دیگر عبارت از حرکت جریان مداوم از یاران در سلسله دروس است. محدوده جغرافیایی نورته د بولیوار از راهنمایان حلقه‌های مطالعه خواست در ابتدای کار کتاب اول، نمایی کلی از فرایند مؤسسه و سلسله کامل دروس را بیان کنند. این کار سبب می‌شود تصویری از آنچه که شرکت کنندگان در آستانه شروع آن هستند به آنها بدهد، یعنی این که آنها می‌توانند در رشته‌ای از دروس وارد شوند نه آن که فقط یک کتاب را بخوانند. راهنمایان، در فراهم آوردن تصویر کلی از معلومات و مهارت‌هایی که آنها کسب خواهند کرد، این توضیح را نیز خواهند افزود که شرکت کنندگان چگونه با هر درس به عرضه خدمات خواهند پرداخت. بعلاوه، احبای در این محدوده جغرافیایی به انعطاف‌پذیری بیشتری دست پیدا می‌کنند. فی‌المثل، اگر شرکت کنندگان در حلقه مطالعه به وقفه‌ای بین اتمام یک درس و شروع درس بعدی نیاز داشته باشند، هماهنگ کننده مؤسسه طبق خواسته آنها برنامه‌ریزی می‌کند.

کریباتی

قیام به اجرای خدمات مرتبط با دروس مؤسسه به ایجاد انگیزه مربوط می‌شود که خود مسأله‌ای است. در یکی از جلسات بررسی و تأمل در محدوده جغرافیایی تاراوای جنوبی، اهمیت قیام به خدمت به عنوان راهنما (تیوتر) مورد تأکید واقع گردید. هماهنگ کننده مؤسسه محدوده در این مورد که راهنماها "کلید رشد" هستند سخن گفت. او مثالی را از جامعه روستایی در محدوده بیان کرد که تا زمانی که تیوترها قیام نکرده و مورد استفاده قرار نگرفته بودند، جامعه مزبور ضعیف بود؛ حال شور و اشتیاق زیادی در آنجا برقرار است و احبای در آستانه دست یافتن به اهدافشان هستند. دو تن از احبای تجارب خود را به امید برانگیختن دیگران بیان کردند:

راهنمای اول: "... آنچه که مورد نیاز است خلوص با تمام وجود و وقف خویشتن به خدمت و محبت به امر حضرت بهاءالله است. من راهنمای کاملاً تعلیم دیده نیستم، چون هنوز کلیه دروس را به پایان نبرده‌ام. فقط درس‌های اولیه را

تمام کرده‌ام، اما علیرغم این واقعیت سعی کرده‌ام آنچه در توان دارم برای جوانان انجام دهم و دریافتم کاری که انجام دادم به ثمر نشست، زیرا جوانان قیام به خدمت کردند..."

راهنمای دوم: "...بعد از آخرین جلسه محدود جغرافیایی در ماراکای اِموانیبا در بتیو، کسب الهام کردم که حلقه مطالعه را تشکیل دهم. در آن جلسه، احبای بونریکی تقاضای یک تیوتر داشتند که به آنها کمک کند... در مورد تقاضای آنها فکر کردم و تصمیم گرفتم به آن جواب مثبت بدهم... من معلول هستم...، اما به علت تمایلم به رفع نیازی که بیان شده و چون تعلیمات اندکی به عنوان تیوتر دیده بودم... این موارد سبب شد قیام کرده خانه و زندگی‌ام را ترک کنم و برای تشکیل حلقه مطالعه در بونریکی سکونت اختیار کنم...."

عملاً، برانگیختن کسانی که به عنوان راهنما تعلیم دیده‌اند مستلزم همراهی کردن آنها تا زمانی است که برای اجرای موارد مربوط به کتابها اعتماد به نفس و قابلیت لازم را کسب کنند تا بتوانند به همین ترتیب به دیگران کمک کنند. در کربیاتی اکنون همراهی کردن جوانان برای آن که تیوترهای مؤثر و کارامدی شوند، مطمئن نظر قرار گرفته و روی آن متمرکز شده‌اند. جوانان وقتی برانگیخته شده اعتماد به نفس پیدا کنند، نیرو و اشتیاق به خدمت به عنوان تیوتر و نیز معلم کلاس اطفال و مشوق نوجوانان را به منصه ظهور می‌رسانند.

ترکیه

مشاورین و اعضاء هیأت معاونت که در ترکیه خدمت می‌کنند اخیراً شرکت در جلسات "بازآموزی فعال" را مورد تشویق قرار داده‌اند. این جلسات به احبای کمک می‌کند موانعی را که مانع آنها از اجرای خدمت خاص می‌شود شناسایی کرده برای غلبه بر این اشکالات راه حل پیدا کنند. سپس آنها بلافاصله می‌توانند در تعطیلات پایان همان هفته در مورد آن تعلیمات بازآموزی اقدام کنند. گزارش دست اول زیر از محدوده جغرافیایی آناتولی استانبول نشان می‌دهد که این اقدام چقدر می‌تواند ثمربخش باشد:

روش‌هایی را که روز قبل در طی فعالیت آمادگی که "بازآموزی فعال" می‌نامیم، از مشاور قاره‌ای‌مان یاد گرفته بودیم به مرحله اجرا در آوردیم. با تلاش برای تعیین موانع، کارمان را شروع کردیم. ابتدا از شرکت‌کنندگان سؤال شد که آیا ملاقات‌های خانگی یا گذاشتن قرار ملاقات برای آنها دشوار است. جواب این بود که ابداً چنین مسأله‌ای وجود ندارد. سؤال دوم این بود که در طی ملاقات‌ها آیا رساندن موضوعات به سطحی روحانی برای آنها مشکل است. چنین مسأله‌ای هم برای آنها وجود نداشت. سؤال بعدی این بود که آیا در دعوت شرکت‌کنندگان به کلاس کتاب اول مشکل دارند که جواب مثبت بود. ما تصمیم گرفتیم در مورد دعوت نفوس به کلاس‌های مؤسسه و امر مبارک کار کنیم.

بند دوم از "تأملی و تفکری بر رشد شماره ۱۴" را مطالعه کردیم. از عبارت "بنای جامعه‌ای جهانی مبتنی بر عدالت و محبت" برداشتی داشتیم و تصمیم گرفتیم این مفهوم را موقع دعوت متحرّیان به کلاس‌های روحی توضیح دهیم.

روز بعد، احبّاء بلافاصله شروع به سازماندهی ملاقات‌های خانگی کردند تا مهارت‌های فرا گرفته شده در دوره بازآموزی را عملی سازند. آنها نه تنها شرکت‌کنندگان بیشتری را توانستند به دوره‌های مؤسسه جذب کنند بلکه نفوس جدیدی را هم تسجیل کردند.

وارد ساختن جوانان در فرایند. عموماً گزارش می‌شود که جوانان یکی از مستعدترین بخش‌های کلیه نفوس مورد نظرند و بهتر از دیگران در اثر مساعی سایر جوانان به امر مبارک جذب می‌شوند. در بیشتر محدوده‌های پیشرفته، جوانان اولین کسانی بودند که از فرایند مؤسسه استقبال کردند. بعلاوه، در بسیاری از برنامه‌های فشرده رشد، جوانان فعال‌ترین مبلغین در مرحله توسعه هستند.

استرالیا

در پرت، یکی از دانشجویان در تعطیلات مدرسه برای سایر دانشجویان و نیز دانش‌آموزان دبیرستان که مایل بودند سلسله کتب را تمام کنند، حلقه‌های مطالعه کتاب هفتم را شروع کرد. استفاده از این فرصت در تقویم دانشگاهی به ۱۴ تیوتر مشتاق جدید که همه جوان بودند، منجر گردید.

کامبوج

در کامبوج، پرورش جوانان فعال به عنوان خادمین امرالله مورد تأکید خاص قرار گرفته است. این جوانان، با تمرکز سیستماتیک بر کودکان و نوجوانان، در مدت زمانی نسبتاً کوتاه رشد می‌کنند و از قابلیت لازم برخوردار می‌شوند که وظایف توسعه و تحکیم را به عهده بگیرند. در محدوده جغرافیایی باتامبانگ، موقعی که نوجوانان به سن جوانی رسیدند، تحت تعلیم قرار گرفتند تا نفوس جوانتر از خود را تبلیغ کنند و اکنون محدوده مزبور دارای گروه در حال توسعه‌ای از جوانان بزرگسال کاملاً تعلیم دیده است. این اقدام موجب تسهیل حرکت پیوسته و بلاوقفه نوجوانان در سلسله اصلی دروس نیز می‌شود، زیرا وقتی آنها مشاهده می‌کنند چگونه به جوانان بزرگسال‌تر به عنوان معلم کلاس اطفال و مشوق نوجوانان مسئولیت داده می‌شود، میل دارند از سرمشق آنها تقلید نمایند و خودشان سلسله دروس را به اتمام برسانند.

وانواتو

در محدوده جغرافیایی **Efate** غالباً در طی تعطیلات مدرسه اردوهای نوجوانان سازماندهی می‌شود که توسط جوانان بزرگسال‌تر بهائی اداره می‌گردد. اما اردوگاه‌های خاصی برای کسانی که تازه ۱۵ ساله شده، یا در شرف ورود

به این سنّ هستند برگزار می‌شود تا کتاب اوّل روحی به آنها معرفی شود. اردوها و کلاس‌های نوجوانان نه تنها این گروه سنی را با موفقیت به خود جذب کرد و آنها را در مسیر ادامه‌ی فرایند مؤسسه قرار داد، بلکه نقش ارزشمندی به جوانان بزرگسال‌تر داد تا در خدمت به جامعه و پیشبرد نقشه‌ی پنج‌ساله ایفا نمایند. اکثریت ۱۶ مؤمن جدیدی که در طی بخش عمده‌ی چرخه‌ی جدید در **Efate** تسجیل شدند شرکت‌کنندگان در برنامه‌ی نوجوانان بودند.

تحت توجهات دارالتبلیغ بین‌المللی برای مؤسسه‌ی مشاورین تهیه شد. تمام یا بخشی از این نشریه را می‌توان بدون اخذ اجازه از دارالتبلیغ بین‌المللی، تکثیر یا داخل جامعه‌ی بھائی توزیع نمود. گزیده‌هایی از گزارش‌ها را می‌توان از لحاظ گرامر، وضوح، یا درازا مورد ویرایش قرار داد.